

یادداشت

عصری سازی دین از نگاه دکتر آیینه‌وند

سیدهاشم آقاچری
استاد تاریخ دانشگاه

دکتر آیینه‌وند از همان دوران جوانی و دانشجویی مطالعات و پژوهش‌های اسلامی- دینی خود را شروع کردند و از ابتدای تحصیل و فعالیت‌های دانشجویی در پی به‌وجودآوردن جامعه اسلامی بر اساس معیارها و الگوی دوران پیامبر(ص) و زمان خلافت حضرت علی (ع) بودند. در سال‌های اول انقلاب و هم‌زمان با آغاز فعالیت‌های تشکل‌های انقلابی- دانشجویی، ایشان بازآفرینی و تحقق الگوی جامعه اسلامی را بدون توجه به تحولات و نوآوری‌های دنیای مدرن دنبال کرد، ولی با گذشت زمان و در طول دور، سه دهه با تجربیات زیادی که از طریق مطالعات و تدریس و تألیف کتب و مقالات اندوخت و از طریق گسترش اطلاعات و اندخته‌های تاریخی به این نتیجه رسید که احیای دین و ارزش‌ها و باورهای دینی بدون توجه به مقتضیات دوران مدرن ممکن نیست، به همین سبب نگاه و رویکردش به اجتهاد و نوآوری در دین و تفسیر عصرانی و امروزی از اسلام و سنت نبوی به‌تدریج جایگاه مهمی در اندیشه و دیدگاهش پیدا کرد. در نوشته‌ها و تألیفات سال‌های پایانی عمر، ایشان به ضرورت توجه به اموری همچون عقلانیت، آزادی، دموکراسی و بازخوانی میراث اسلامی از منظر نیازهای دوران مدرن پرداخت. در بازخوانی وقایع مهم تاریخ اسلام و به‌خصوص سنت و سیره نبوی و علوی در مقابل جریان‌های حدیث‌گرایی، نقل‌گرایی، جزم‌اندیشی و عقل‌گریزی به ضرورت توجه به جریان عقل‌گرایی و اعتزال‌گرایی در اندیشه اسلامی اهتمام ورزید و قرائت وی از تاریخ اسلام قرائتی عقل‌گرایانه و عصرانی و امروزی شد. ضرورت توجه به مسائل و مقام و منزلت زنان، حقوق زنان و بازخوانی و تصحیح احادیث جعلی در مورد جایگاه و موقعیت زنان از دوران جاهلیت تاکنون از محورهای اساسی اندیشه دکتر آیینه‌وند بود. نگاه انحرافی و تبعیض‌آمیز نسبت به زنان در دوران پس از پیامبر و بعد از آن بازتولید جریان جاهلی و متأثر از روایات واردشده از ادیان یهود بر دوران اسلامی است. دکتر آیینه‌وند با پرداختن به مسائل زنان و تأسیس رشته‌ای به نام مطالعات زنان گام بسیار بزرگ و ارزنده‌ای در جهت ترفیع مقام زن در جامعه ایران برداشت. همچنین به بازخوانی فقه اسلامی در جهت استیفای حقوق برابر زنان با مردان پرداخت که این تحول اندیشه و دیدگاه آیینه‌وند متأثر از نواندیشانی همچون دکتر نصر حامد ابوزید، حسن حنفی، محمد عابد الجابری و محمد آرکون است. علاوه بر تحول و بازنگری در مورد مقام و منزلت زنان، دکتر آیینه‌وند در امور سیاسی نیز به بازخوانی و بازآفرینی دست زد. این بازآفرینی شامل بازخوانی دموکراتیک از سنت و سیره نبوی و علوی بود. ایشان معتقد بود، دولت اسلامی که باید تسلیم دین مردم شود و باید به مردم اجازه داد همچون زمان پیامبر در امور خودشان و در جهت حفظ منافع و مصالحشان تصمیم بگیرند. اینجاست که مسئله شورا ملموس‌تر می‌شود.

هر دولتی اگر بخواهد موفق عمل کند، باید نگرش و عملکرد عقلانی داشته باشد و مردمی‌تر باشد. در طول تاریخ حکومت‌های دوام بیشتری داشته‌اند که مردمی‌تر بودند و نهادهای مدنی را تقویت کردند و به حقوق شهروندی همچون آزادی بیان و آزادی اندیشه احترام می‌گذاشتند. بنابراین باید حقوق مردم را همچون زمان پیامبر(ص) و امام علی (ع) رعایت و آنها را تکریم کرد.

غم‌زمانه خورم یا فراق یار کشم؟

دکتر تقی پورنامداریان، استاد زبان و ادبیات فارسی

دکتر «آیینه‌وند» از انگشت‌شمار انسان‌هایی بود که در هرج‌ومرج اخلاق‌گریزی و تاجرمانی روزگار ما با جسستن و یافتن راه درست آرزوی هر آزاده‌ای بود. دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر/ کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست/ گفشد یافت می‌نشود جسته‌ایم ما/ گفت آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست. دکتر آیینه‌وند در طول زندگی خود، دور از غوغاها و غوغائیان در جست‌وجوی انسانی آرمانی بود و در این راه خود به جایی رسید که همان شده بود که جست‌وجو می‌کرد و روح و پای در آن راه فرسوده بود. ۳۰ سال غور و تفحص در تاریخ جلوه‌هایی از این جست‌وجوی مدام برای رسیدن به چنین انسانی بود. چهره نجیب و آهستگی و نرمش توأم با وقار و مانتات او تأثیری عمیق در روح همه کسانی می‌نهاد که با او برخورد می‌کردند. او نجابت و اخلاق را تبلیغ نمی‌کرد، بلکه با رفتار و گفتار خود تلقین می‌کرد. از لغوها با کرامت و بزرگواری می‌گذشت و خطاهایی که از سر جهل بود، نه از سر سودای تاجرمانی و زیاده‌طلبی، با چشمی خطاپوش می‌نگریست. در تحقیق و تدریس جدی بود و در انتقاد و اعتراض به سخنان تاجرمانانه و کج‌فرتاری‌ها و کج‌گویی‌های خودخوانده و عوام‌فریبانه بی‌پروا بود. در هر مقام و موقعیتی که بود، از تذکر آنچه صلاح و ثواب می‌نمود اگرچه با همان نفس آرام ملایم، خودداری نمی‌کرد، گویی خودداری از اعتراض به آنچه دور از صداقت و اخلاص می‌پنداشت، گناهی بود که ارتکاب آن را هرگز جایز نمی‌شمرد. نخستین تصویری که از دکتر صادق آیینه‌وند در ذهن دارم، تصویر مردی است بسیار آرام و با لحن و صدایی ملایم و گرم و بسیار صمیمی. این تصویر حاصل اتفاقی بود که برایم در محرم دانشگاه تربیت مدرس پیش آمد؛ مردی با فروتنی از دیدن من بسیار احساس شادمانی کرد و آن‌قدر مبالغه کرد که احساس شرمندگی کردم، به دفتر گروه که رفتم و ماجرای این ملاقات را تعریف کردم، همه گفتند او آقای دکتر آیینه‌وند، رئیس دانشکده بوده است. رفتار و برخورد او منحصربه‌فرد بود. با خود اندیشیدم رئیس و این همه فروتنی؟! من پیش‌تر رئیس‌هایی دیده بودم که از پشت میز پنهانوارش را چنان تفرشی به تو می‌نریسند که گویی ناخدایی بودند بر عرشه بزرگ‌ترین کشتی جهان. بعد از ملاقات نخستین، بارها پیش آمد که با ایشان دیدار کردم. او را هربار که می‌دیدید همان بود که در اولین برخورد دیده بودی؛ با لحنی گرم و صمیمانه و چهره‌ای گشاده. دکتر آیینه‌وند تاریخ اسلام و ادبیات عرب را به درس خوانده‌ای با اخلاق و ادب او به کسب نبود، ادب نفس بود که تنها بر سر زبان او نبود، موهبتی بود که خدا در قلب او نهاده بود. امروز وقتی به شیوه زیست و سلوک او می‌نگرم، همچون ابری در نظرم مجسم می‌شود که ناگاه در آسمان بهاری پیدا می‌شود و هرچه دارد، می‌بارد و دشت را سرسبز و تازه می‌کند و بعد محو می‌شود و از دیده‌ها نهای می‌شود. خدایش بیامرزاد که دشت را همیشه سرسبز می‌خواست.

یادمان دومین سالگرد درگذشت

زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند

می‌توان در دنیای مدرن مسلمان زیست

جریان نواندیشی دینی که یکی از دغدغه‌های جدی دکتر آیینه‌وند بود، معتقد است در ساحت نگرش به سنت و سنت تاریخی باید از روش‌ها و متدهای جدید تاریخ‌مند استفاده کرد. دوم اینکه باید پذیرفت که علاوه بر من، دیگری هم وجود دارد و موجودیت او مشروعیت دارد. سوم اینکه من و دیگری هر دو فطرتا و به طور طبیعی حق انتخاب داریم.

عکس هادی جدیری

او به دین نیست به انواع تعصب دینی است. یعنی اسلام معیار می‌شود اسلامی که در سلوک و مناسک و رفتارها الزاما باید تجلی پیدا کند نه در عرصه اندیشه و تفکر. بدون شک یکی از دغدغه‌های جدی جریان نواندیشی این است که دین بدون تعامل با ساختارهای اجتماعی و فرهنگی رشد پیدا نمی‌کند و طرفدار پیدا نمی‌کند. بنابراین برای اینکه دین تعمیق و عمق پیدا کند باید به فرهنگ‌ها و تکثر و تنوع فرهنگ‌ها توجه کرد. اما جریان بنیادگرایی این نوع نگرش را کاملا شرک‌آلود می‌داند.

جریان نواندیشی دینی معتقد است که برای سازگاری میان دین با مدرنیته یا به عبارت گسترده‌تر با پدیده جهانی‌شدن سخن گفتن از همه یا هیچ در حوزه دینداری پذیرفته نیست.

نواندیشی دینی برای مقابله با بنیادگرایی دینی معتقد است باید میان دین و فرهنگ پیوند زد و این معضل اساسی بسیاری از جوامع دیگر و جوامع دینی است که می‌بینیم. اگر به جیستی فرهنگ دینی پاسخ ندهیم، باید در انتظار دو پدیده باشیم، یکی غلبه جهل و دیگری روند به رف افزایش نودینی و نوکشی. این دغدغه اصلی است که جریان نواندیشی دنبال می‌کند و در مقابله با بنیادگرایی دینی معتقد است که یک دین برای اینکه بتواند تعامل خودش را در بستر جهانی‌سازی هماهنگ کند و تعامل خودش را شکل دهد، باید به چهار عنصر اصلی دین توجه کند. یکی نشانه‌های دینی مثل شعائر و مناسک. دوم هنجارها مثل معیارهای اخلاقی. سوم دینداری و ایمان جاری در زندگی و چهارم تئوری‌های دینی و استدلال‌های عقیدتی. بنابراین آنچه که محور دعوای اصلی جریان نواندیشی با جریان بنیادگرایی دینی است و مرحوم دکتر آیینه‌وند در این میان از کسانی بود که بر جریان نواندیشی دینی پای می‌فشرد، این بود که فرهنگ نباید با دین تعارض پیدا کند و فرهنگ بت‌پرستی و تسلیم‌شدن محض در برابر صاحبان اعتقادسازی دینی، چه در مذهب کلیسا، پاپ باشد، چه در آیین‌های دیگر چیزهای دیگر همه شکلی از اشکال بت‌پرستی است که جریان نواندیشی دینی در برابرش مقابله می‌کند و با آن می‌جنگد.

تاریخ اسلام تفکر بنیادگرایانه آثار تخریبی زیادی بر ساحت اندیشه و تاریخ اندیشه انسان مسلمان داشته، مخصوصا پس از عصر تمدن اسلامی که حوزه علوم عقلی ضعیف شد. جریان بنیادگرایی که در دو حوزه جهان اسلام در اهل سنت با رشد اشعری‌گری و با تضعیف جریان معتزله و در جهان اسلام بعدها با رشد جریان اخباری‌گری تقویت شد باعث شد در بلاد و ممالک اسلامی جریان بنیادگرایی دینی زمینه‌ها و به پشتوانه پیشینه تاریخی خودش میدان انتخاب وسیع‌تری را باز کند و طبیعتا در برابر جریان عقلانی و جریانی که مبتنی بر تفکر عقلانی و فلسفهای است به خوبی بایستد. به همین جهت است که در بخش عظیمی از تاریخ اسلام می‌بینیم از قرن چهارم تا امروز تفکر فلسفی تفکر بسیار ضعیفی است و چه در حوزه‌های علمیه دینی و چه اساسا در حوزه‌های آکادمیک هم به طور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

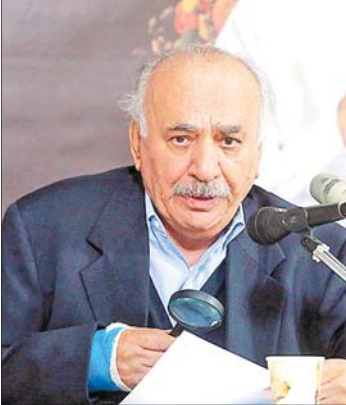
امروز جریان بنیادگرایی اشکال جدیدی پیدا کرده و متنوع شده است اما همه این اشکال و شکل‌های متنوع به چند مقوله به‌اعتنا هستند و باور ندارند و این یکی از حوزه‌های مرزی مقابله و منازعه نواندیشی با جریان بنیادگرایی است. یک، عدم توجه به ساحت علم و فرهنگ، عدم توجه به پدیده جهانی‌شدن و روند جهانی‌شدن. واقعیت این است که امروز جهانی‌شدن و دین بر یکدیگر تأثیرگذار هستند و اگر امروز بخواهیم مثل دیروز و گذشته تاریخی خودمان دین را در تعید خلاصه کنیم، با خطر روافضونی روبه‌رو می‌شویم که به طور طبیعی این خطر یا آثار این خطر را در جلوه‌های مختلف می‌بینیم که یکی از آنها نوکشی است. نوکشی یعنی تغییر مرام، دین و آیین. امروز یکی از خطرهای بزرگی که ساحت اندیشه را تنگ و پرخطر می‌کند و به طور طبیعی رسالت نواندیشان دینی را افزایش می‌دهد، بحث ضرورت تعامل دین و فرهنگ است. جریان بنیادگرایی امروز درصدد دامن‌زدن خصومت میان این دو است و درصدد این است که انسان‌ها را هرچه بیشتر ارتدوکس‌تر یا سخت‌اعتقادتر کند. اینجاست که به تعبیر اولیور روا اسلام‌پژوه معاصر فرانسوی، دین به حوزه ایمان تقلیل پیدا می‌کند. اعتراض

بنابراین رویکرد او به سنت که یک امر بدیهی است، بسیار بسیار جدی‌تر از اسلام معیار (قرآن) است. به همین جهت در دنیای اسلام یکی از تقابل‌ها و تعارضات جریان بنیادگرایی فکری با جریان نواندیشی بر سر همین امر سنت بود که بنیادگرایی و بنیادگرایان معتقد بودند سنت با آغاز به کار جریان نواندیشی بدیهی بودن یا بدیهیت تاریخی خود را از دست می‌دهد و در معرض چالش و نابودی است. اینجا بود که جریان بنیادگرایی قدرت قوی‌تر و بیشتری پیدا کرد و اساسا بنیان‌های اصلی خودش را پایه گذاشت.

جریان نوگرایی معتقد بود که اساسا چه در ساحت اندیشه چه در ساحت تعامل، هیچ نوع ارتباط یا الگوپذیری از جریان خارج از ساحت مسلمانی نباید وجود داشته باشد. و دوم اینکه عرصه شک و تردید، عرصه مسدودی است؛ یعنی ساحت شک وجود ندارد. طبیعی است وقتی چنین حوزه‌ای را بنیادگرایی برای خودش تعریف می‌کند طبیعتا با آزادی فکر و اندیشه، تکثر و تنوع اندیشه هم ناسازگار می‌شود و درصدد این است که نوعی همبستگی اعتقادی را در جامعه یکپارچه و ایجاد کند و یک نوع همبستگی عقیدتی را شکل دهد و این می‌شود همان گفتمان مسلطی که اساسا حکومت‌های تاریخی و دینی در تاریخ اسلام درصدد بنیان‌گذاری او بوده‌اند و خارج از این حوزه و ساحت را برنمی‌تافتند. جریان نواندیشی دینی که یکی از دغدغه‌های جدی دکتر آیینه‌وند بود، معتقد است در ساحت نگرش به سنت و سنت تاریخی باید از روش‌ها و متدهای جدید تاریخ‌مند استفاده کرد. دوم اینکه باید پذیرفت که علاوه بر من، دیگری هم وجود دارد و موجودیت او مشروعیت دارد. سوم اینکه من و دیگری هر دو فطرتا و به طور طبیعی حق انتخاب داریم.

دیگر اینکه برای توسعه جریان نواندیشی و مقابله با بنیادگرایی باید با توسعه نهادهای مدنی از جمله نهادهایی که در حوزه گسترش فکر و اندیشه و آزادی فکر و بیان عمل می‌کنند بتوانیم راه معقول و مطلوب مقابله با جریان بنیادگرایی را هموار کنیم و طبیعتا میدان نواندیشی و ساحت نواندیشی را وسیع‌تر کنیم. از آنجا که در طول

آرمین: آیینه‌وند معتقد بود رجل سیاسی نگاه جنسیتی ندارد



ریحانه جدیری: دومین سالگرد درگذشت دکتر صادق آیینه‌وند در پژوهشکده تاریخ اسلام برگزار شد. فاطمه راکعی و حجت‌الاسلام هادی خامنه‌ای هم در این مراسم سخنرانی کردند. دکتر ناصر تکمیل‌همایون از سخنرانان اصلی مراسم سالگرد مرحوم آیینه‌وند بود، او ابتدا درباره خلیقات و اخلاق پسندیده ایشان توضیح داد. دکتر تکمیل‌همایون گفت: طی این سال‌ها حتی یک‌بار هم نشنیدم کسی از او گله یا شکایت داشته باشد. آیینه‌وند کاملا عادل، راستی، درستی و حقیقت را در کارهایش رعایت می‌کرد. البته نکته جالب توجه همه تأیید سخنان دکتر تکمیل‌همایون توسط دانشجویان و همکاران ایشان بود. این استاد تاریخ در بخش دوم سخنان خودش به مراتب علمی وی اشاره و او را پیوندی میان رابطه گسسته تاریخ‌نگاری عربی و پارسی توصیف کرد. آیینه‌وند در دوره‌شته تاریخ با گرایش تاریخ اسلام و ادبیات عرب حضوری پربر داشت؛ اگرچه در سایر رشته‌های علوم انسانی هم رسالتی داشت. آیینه‌وند در جلسه‌های فصل‌نامه انجمن ایرانی تاریخ و سایر مجله‌های تاریخی حضور پیدا می‌کرد که پایله‌ای برای بقای آن مجله و انجمن بود و یک نوع تئوریه اخلاقی و علمی برای مجله و مقالات آن داشت. به گفته دکتر تکمیل‌همایون دکتر صادق آیینه‌وند اهل پذیرفتن پیست و مقام نبود حتی برای برعهده‌گرفتن مسئولیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بسیاری از دوستان پژوهشگاه افراد زیادی را واسطه کردیم تا این مسئولیت جدید را قبول کرد. سخنران آخر این مراسم محسن آرمین بود؛ او ابتدا از نامردی‌های روزگار گله کرد چون سبب شده بود ارتباط خودش را با دکتر آیینه‌وند کمرنگ کند تا مبادا در سال‌های پرتلاطم‌ها بعد از ۸۸ برای ایشان مایه دردسر شود؛ اما

امروز از این فاصله مغموم و مغبون است. اما آرمین در بخش اصلی سخنان خود به مباحث جدی‌تر اندیشه دینی و عصری‌کردن فهم دین پرداخت. او محور اصلی سخنان خود را یکی از یادداشت‌های دکتر آیینه‌وند در مورد ضرورت نوسازی از فهم دین متناسب با تحولات جامعه قرار داد. این پژوهشگر دینی گفت دکتر آیینه‌وند در این یادداشت مبنای نظر خود را نگاه دین به حضور زن در زمانه حاضر قرار می‌دهد. محسن آرمین توضیحات مبسوطی هم درباره آرای متفاوت نسبت به سنت و مدرنیته ارائه کرد؛ شاید بتوان گفت نوع رویکرد به سنت‌ها، تجدد و متدولوژی که متفکران برای حل این دوگانه انتخاب کردند مهم‌ترین یا دست‌کم یکی از عوامل اختلاف پاسخ‌هایی است که به این دوگانه داده شده است پس می‌توان نارسایی‌های پاسخ‌های مذکور را عمدتا در این دو عامل یعنی نوع رویکرد به سنت و تجدد و روش حل این دوگانه جست‌وجو کرد. در ادبیات مربوط به تجدد معمولا با سه مفهوم مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون مواجه هستیم اما متأسفانه گاهی بدون توجه به معنای مستقل آنها این واژه‌ها را برای یک مفهوم به کارمی‌بریم؛ پس نباید مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون را یکسان بدانیم. از طرفی دیگر متناظر با همین مفاهیم را کم‌وبیش می‌توان در مورد سنت هم در نظر گرفت. گاهی از سنت به‌عنوان یک وضعیت سخن گفته می‌شود و گاهی به‌عنوان روند، طرحی برای تعمیق مناسبات سنتی و تقویت نقش نهادهای سنتی جامعه و گاهی هم به سنت و ارزش‌های آن به‌عنوان یک ایدئولوژی نگاه می‌شود. پس سنت نه مترادف گذشته است و نه تجدد مترادف آینده به حساب می‌آید. سنت هم در حال ما و هم در تجددی که قصد دستیابی به آن را داریم